

جهانی‌شدن اقتصادی، عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی

مهروش بیرق دار کشکولی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۴

مقدمه و هدف: جهانی‌شدن اقتصادی یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم است که با گسترش تجارت بین‌المللی، جریان سرمایه و انتقال فناوری، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع را متأثر ساخته است. با وجود فرصت‌های ایجادشده برای رشد اقتصادی، نگرانی‌هایی درباره توزیع ناعادلانه منافع و پیامدهای منفی بر عدالت اجتماعی و محیط زیست وجود دارد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر جهانی‌شدن اقتصادی بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه است.

روش شناسی پژوهش: پژوهش پیش‌رو از نظر روش، در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و با مرور منابع مکتوب و دیجیتال گردآوری شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که جهانی‌شدن اقتصادی دارای پیامدهای دوگانه است. از یک سو، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، رشد اقتصادی و انتقال فناوری می‌تواند به بهبود سطح زندگی و رفاه عمومی منجر شود. از سوی دیگر، توزیع ناعادلانه منافع، افزایش شکاف درآمدی میان کشورهای شمال و جنوب، کاهش امنیت شغلی اقشار کم‌مهارت و تخریب محیط زیست از جمله پیامدهای منفی آن است. در حوزه رفاه زیست‌محیطی، نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل برخورداری از فناوری‌های پاک، نهادهای کارآمد و استانداردهای زیست‌محیطی پیشرفته، جهانی‌شدن پس از عبور از یک آستانه مشخص اثر مثبت دارد؛ اما در کشورهای درحال توسعه به دلیل محدودیت‌های فنی، مالی و نظارتی، این اثر منفی باقی می‌ماند. عواملی مانند سطح توسعه اقتصادی، کیفیت حکمرانی، سرمایه انسانی، ظرفیت فناوری و مقررات زیست‌محیطی نقش تعیین‌کننده‌ای در تفاوت پیامدهای جهانی‌شدن دارند.

نتیجه‌گیری: جهانی‌شدن اقتصادی به‌خودی‌خود نه سودمند است و نه زیانبار؛ بلکه نوع مواجهه با آن و سیاست‌های اتخاذشده تعیین می‌کند که این پدیده به سمت عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی هدایت شود یا به تشدید نابرابری و تخریب محیط زیست بینجامد. بهره‌مندی از مزایای جهانی‌شدن و کاهش آثار منفی آن مستلزم تقویت نهادهای اقتصادی و اجتماعی، توسعه فناوری‌های پاک، بهبود نظام آموزشی و اجرای سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار است.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن اقتصادی، عدالت اجتماعی، رفاه زیست‌محیطی، نابرابری، توسعه پایدار

^۱ دبیر جامعه شناسی، آموزش و پرورش عشایری فارس kashkouli44@gmail.com

مقدمه

جهانی‌شدن اقتصادی یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم محسوب می‌شود که با گسترش تجارت بین‌المللی، افزایش جریان سرمایه، انتقال فناوری و توسعه ارتباطات جهانی، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. این پدیده موجب افزایش وابستگی متقابل کشورها شده و فرصت‌های جدیدی را برای رشد اقتصادی، توسعه فناوری و گسترش بازارها فراهم کرده است. با این حال، آثار جهانی‌شدن صرفاً به حوزه اقتصادی محدود نبوده و پیامدهای گسترده‌ای در زمینه عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی به همراه داشته است. عدالت اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین اهداف توسعه پایدار است و به توزیع منصفانه فرصت‌ها، منابع و امکانات در میان افراد جامعه اشاره دارد. موافقان جهانی‌شدن معتقدند که ادغام اقتصادها در بازار جهانی می‌تواند از طریق افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، رشد اقتصادی، اشتغال و انتقال فناوری به بهبود سطح زندگی و کاهش فقر منجر شود. در مقابل، منتقدان بر این باورند که منافع جهانی‌شدن به صورت برابر توزیع نمی‌شود و اغلب به افزایش شکاف درآمدی، تمرکز ثروت، تضعیف حمایت‌های اجتماعی و تشدید نابرابری میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌انجامد (هلد و مک ریو، ۲۰۰۲).

هم‌زمان با گسترش جهانی‌شدن اقتصادی، نگرانی‌ها درباره آثار آن بر محیط زیست نیز افزایش یافته است. رفاه زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار، شامل حفظ تنوع زیستی، مدیریت منابع طبیعی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ارتقای کیفیت محیط زیست است. افزایش تولید، مصرف و تجارت جهانی در بسیاری از موارد به افزایش بهره‌برداری از منابع طبیعی، آلودگی محیط زیست و تخریب اکوسیستم‌ها منجر شده است. از سوی دیگر، جهانی‌شدن می‌تواند از طریق انتقال فناوری‌های پاک، توسعه استانداردهای زیست‌محیطی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی به بهبود شرایط محیط زیست کمک کند (امینی و قادری، ۱۴۰۴). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که رابطه میان جهانی‌شدن اقتصادی و رفاه زیست‌محیطی رابطه‌ای پیچیده و غیرخطی است. امینی و قادری (۱۴۰۴) با بررسی ۱۳۳ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ نشان دادند که در کشورهای توسعه‌یافته، جهانی‌شدن اقتصادی در مراحل اولیه اثر منفی بر رفاه زیست‌محیطی دارد، اما پس از عبور از یک آستانه مشخص، تأثیر آن مثبت می‌شود. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه تأثیر جهانی‌شدن اقتصادی در هر دو رژیم منفی و معنادار بوده است. این نتایج بیانگر آن است که سطح توسعه اقتصادی، ظرفیت نهادی و توان فناوری نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت و شدت آثار جهانی‌شدن دارند.

از منظر نظری نیز دیدگاه‌های متفاوتی درباره آثار جهانی‌شدن وجود دارد. برخی نظریه‌ها بر نقش مثبت تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی در انتقال فناوری‌های سازگار با محیط زیست تأکید دارند، در حالی که نظریه‌هایی مانند فرضیه پناهگاه آلودگی و منحنی کوزتس زیست‌محیطی نشان می‌دهند که رشد اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن در مراحل اولیه توسعه می‌تواند با افزایش آلودگی و تخریب محیط زیست همراه باشد (کایچی، ۲۰۱۹). از این رو، بررسی هم‌زمان آثار جهانی‌شدن بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی می‌تواند درک جامع‌تری از پیامدهای این پدیده در کشورهای مختلف

¹ Held & McGrew

² Kaikchi

فراهم سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به دو پرسش اصلی انجام شده است: نخست، جهانی‌شدن اقتصادی چه تأثیری بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارد؟ دوم، چه عواملی موجب تفاوت در پیامدهای جهانی‌شدن اقتصادی بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی میان این کشورها می‌شود؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات مروری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی اسناد و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

یافته‌ها

سؤال اول: جهانی‌شدن اقتصادی چه تأثیری بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارد؟

بررسی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که جهانی‌شدن اقتصادی آثار چندوجهی و گاه متناقضی بر عدالت اجتماعی دارد. از یک سو، ادغام اقتصادها در بازارهای جهانی، افزایش تجارت بین‌المللی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند زمینه رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی را فراهم سازد. در این شرایط، دسترسی شهروندان به کالاها، خدمات، آموزش و فناوری بهبود می‌یابد و سطح رفاه عمومی افزایش پیدا می‌کند. موافقان جهانی‌شدن بر این باورند که توسعه ارتباطات اقتصادی بین کشورها باعث افزایش کارایی اقتصادی و تخصیص بهینه منابع می‌شود و در نتیجه می‌تواند به ارتقای عدالت اجتماعی کمک کند (هلد و مک ریو، ۲۰۰۲).

با این حال، توزیع منافع جهانی‌شدن در میان کشورها و گروه‌های اجتماعی یکسان نیست. شواهد نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مزایای جهانی‌شدن نصیب کشورهای صنعتی و صاحبان سرمایه شده است، در حالی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه سهم کمتری از این منافع کسب کرده‌اند. این وضعیت موجب افزایش شکاف درآمدی میان کشورهای شمال و جنوب و همچنین افزایش نابرابری‌های درون‌کشوری شده است. در بسیاری از موارد، طبقات برخوردار از سرمایه و مهارت‌های تخصصی توانسته‌اند از فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن بهره‌مند شوند، در حالی که کارگران کم‌مهارت و اقشار آسیب‌پذیر با کاهش امنیت شغلی و درآمدی مواجه شده‌اند.

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی جهانی‌شدن، تغییر ساختار بازار کار است. رقابت جهانی موجب شده است بسیاری از شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌های تولید به سمت خودکارسازی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته حرکت کنند. اگرچه این روند بهره‌وری را افزایش می‌دهد، اما می‌تواند به کاهش فرصت‌های شغلی برای نیروی کار کم‌مهارت منجر شود. در نتیجه، در برخی کشورها جهانی‌شدن به افزایش بیکاری ساختاری و تشدید نابرابری‌های اجتماعی انجامیده است.

در مقابل، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که جهانی‌شدن می‌تواند از طریق انتقال دانش، فناوری و سرمایه انسانی به بهبود شرایط زندگی در کشورهای درحال توسعه کمک کند. آلاگونجو و همکاران^۱ (۲۰۱۹) نشان دادند که سرمایه انسانی نقش واسطه‌ای مهمی در تبدیل فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن به رفاه اجتماعی دارد. بنابراین، کشورهایی که از نظام آموزشی کارآمدتر و نیروی انسانی توانمندتری برخوردارند، قادرند منافع بیشتری از جهانی‌شدن کسب کنند.

در حوزه رفاه زیست‌محیطی نیز آثار جهانی‌شدن دوگانه است. افزایش تجارت و تولید جهانی موجب رشد مصرف انرژی، استخراج منابع طبیعی و افزایش انتشار آلاینده‌ها شده است. بسیاری از صنایع آلاینده به کشورهای درحال توسعه منتقل شده‌اند؛ کشورهایی که اغلب از قوانین زیست‌محیطی ضعیف‌تر و نظارت محدودتری برخوردارند. این امر موجب افزایش تخریب جنگل‌ها، آلودگی هوا و آب و کاهش تنوع زیستی در بسیاری از مناطق جهان شده است (شهباز و همکاران، ۲۰۱۷).

شهباز و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی ۲۵ اقتصاد توسعه‌یافته دریافتند که جهانی‌شدن اقتصادی با افزایش انتشار دی‌اکسیدکربن همراه است. این یافته نشان می‌دهد که افزایش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، بدون ملاحظات زیست‌محیطی، می‌تواند به تخریب محیط زیست منجر شود. همچنین تاوش و حشمتی^۳ (۲۰۱۸) گزارش کردند که جهانی‌شدن باعث افزایش تولید پسماندها، تخریب مراتع، جنگل‌ها و منابع آب زیرزمینی شده است.

در مقابل، گروهی از پژوهشگران معتقدند که جهانی‌شدن می‌تواند از طریق انتقال فناوری‌های پاک و استانداردهای زیست‌محیطی بین‌المللی به بهبود کیفیت محیط زیست کمک کند. مطالعه امینی و قادری (۱۴۰۴) نیز نشان می‌دهد که اثر جهانی‌شدن بر رفاه زیست‌محیطی به سطح توسعه کشورها بستگی دارد. در کشورهای توسعه‌یافته، پس از عبور از یک آستانه مشخص، جهانی‌شدن موجب بهبود رفاه زیست‌محیطی می‌شود، زیرا این

¹ Olagunju et al

² Shahbaz et al

³ Tawose & Heshmati

کشورها توانایی بهره‌گیری از فناوری‌های پاک و سیاست‌های محیط زیستی پیشرفته را دارند. اما در کشورهای درحال توسعه، جهانی‌شدن همچنان با کاهش رفاه زیست‌محیطی همراه است؛ زیرا رشد اقتصادی عمدتاً بر پایه مصرف منابع طبیعی و صنایع آلاینده شکل می‌گیرد.

سؤال دوم: چه عواملی موجب تفاوت در پیامدهای جهانی‌شدن اقتصادی بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه می‌شود؟

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تفاوت پیامدهای جهانی‌شدن، سطح توسعه اقتصادی کشورها است. کشورهای توسعه‌یافته دارای زیرساخت‌های پیشرفته، اقتصاد متنوع و منابع مالی گسترده هستند و می‌توانند از فرصت‌های ناشی از تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی بهره بیشتری ببرند. در مقابل، کشورهای درحال توسعه اغلب با محدودیت منابع مالی، وابستگی به صادرات مواد خام و آسیب‌پذیری اقتصادی مواجه‌اند که توان بهره‌برداری آنان از مزایای جهانی‌شدن را کاهش می‌دهد (امینی و قادری، ۱۴۰۴).

عامل دوم، کیفیت حکمرانی و نهادهای سیاسی و اقتصادی است. پژوهش لطیف و همکاران^۱ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که کیفیت نهادی نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آثار منفی جهانی‌شدن بر محیط زیست دارد. وجود قوانین شفاف، نظام نظارتی کارآمد و سیاست‌های حمایتی می‌تواند مانع از تمرکز منافع در دست گروه‌های خاص شود و توزیع عادلانه‌تر مزایا را تضمین کند.

عامل سوم، سطح توسعه فناوری و ظرفیت نوآوری است. کشورهای توسعه‌یافته به دلیل دسترسی گسترده به فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، قادرند ضمن حفظ رشد اقتصادی، آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های تولیدی را کاهش دهند. در مقابل، کشورهای درحال توسعه بیشتر به فناوری‌های قدیمی و صنایع انرژی‌بر متکی هستند و بنابراین هزینه‌های زیست‌محیطی بیشتری را متحمل می‌شوند.

سرمایه انسانی نیز یکی از عوامل کلیدی تفاوت‌ها محسوب می‌شود. کشورهایی که از نظام آموزشی قوی‌تر و نیروی انسانی متخصص‌تر برخوردارند، توان بیشتری برای جذب فناوری، افزایش بهره‌وری و استفاده از فرصت‌های جهانی‌شدن دارند. آلاگونجو و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه میان جهانی‌شدن و رفاه دارد.

ساختار اقتصادی کشورها نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. اقتصادهای دانش‌بنیان و مبتنی بر خدمات پیشرفته معمولاً از مزایای بیشتری برخوردار می‌شوند، در حالی که اقتصادهای متکی بر استخراج منابع طبیعی و صنایع

^۱ Latifet al

آلاینده بیشتر در معرض تخریب محیط زیست قرار دارند. از این رو، نوع فعالیت‌های اقتصادی هر کشور تعیین‌کننده بخشی از پیامدهای جهانی‌شدن است

عامل دیگر، شدت و کیفیت مقررات زیست‌محیطی است. کشورهایی که استانداردهای زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌تری دارند، توانسته‌اند آثار منفی رشد اقتصادی را کنترل کنند. در مقابل، کشورهایی که برای جذب سرمایه خارجی از مقررات زیست‌محیطی چشم‌پوشی می‌کنند، با افزایش آلودگی و تخریب منابع طبیعی مواجه می‌شوند). همچنین سطح مشارکت در شبکه‌های جهانی دانش و فناوری بر نتایج جهانی‌شدن تأثیرگذار است. کشورهایی که توانسته‌اند در زنجیره‌های ارزش جهانی جایگاه مناسبی کسب کنند، از انتقال فناوری و دانش بهره‌مند شده‌اند، در حالی که کشورهای حاشیه‌ای اغلب نقش تأمین‌کننده مواد اولیه را بر عهده گرفته‌اند و از منافع فناوری کمتر بهره‌مند شده‌اند در نهایت، فرهنگ عمومی، آگاهی زیست‌محیطی و میزان مشارکت جامعه مدنی نیز می‌تواند بر پیامدهای جهانی‌شدن اثرگذار باشد. جوامعی که حساسیت بیشتری نسبت به مسائل محیط زیست و عدالت اجتماعی دارند، معمولاً دولت‌ها را به اتخاذ سیاست‌های مسئولانه‌تر وادار می‌کنند و در نتیجه آثار منفی جهانی‌شدن در آنها کمتر مشاهده می‌شود. بنابراین، تفاوت در پیامدهای جهانی‌شدن اقتصادی را نمی‌توان صرفاً به خود پدیده جهانی‌شدن نسبت داد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نهادی، فناورانه، آموزشی و فرهنگی تعیین می‌کنند که یک کشور تا چه اندازه بتواند از فرصت‌های جهانی‌شدن بهره‌بردار و آثار منفی آن را کنترل کند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که جهانی‌شدن اقتصادی دارای پیامدهای دوگانه بر عدالت اجتماعی و رفاه زیست‌محیطی است. این پدیده از طریق گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری می‌تواند رشد اقتصادی و رفاه عمومی را افزایش دهد، اما در صورت نبود سیاست‌های مناسب، به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز منجر می‌شود. همچنین، جهانی‌شدن در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل برخورداری از فناوری‌های پیشرفته، نهادهای کارآمد و قوانین زیست‌محیطی مؤثر، بیشتر به بهبود رفاه زیست‌محیطی انجامیده است. در مقابل، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با افزایش آلودگی، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و کاهش کیفیت محیط زیست همراه بوده است. یافته‌ها نشان داد که عواملی مانند سطح توسعه اقتصادی، کیفیت حکمرانی، سرمایه انسانی، ظرفیت فناوری و ساختار اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع و شدت پیامدهای جهانی‌شدن دارند. بنابراین، بهره‌مندی از مزایای جهانی‌شدن مستلزم تقویت نهادهای اقتصادی و اجتماعی،

توسعه فناوری‌های پاک و اجرای سیاست‌های مبتنی بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. در چنین شرایطی، جهانی شدن می‌تواند به ابزاری برای تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست تبدیل شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش مطابق با اصول اخلاق حرفه‌ای در تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی و مبتنی بر منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است و اطلاعات بدست آمده صرفاً در جهت پژوهش بکار گرفته شده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از سازمان‌ها یا نهادهای تأمین مالی دریافت نکرده است و تمامی هزینه‌های مربوط به انجام مطالعه توسط پژوهشگر تأمین گردیده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. نویسنده اظهار می‌دارد که در ارتباط با انجام این پژوهش و نگارش مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع فارسی

امینی، ا.، و قادری، س. (۱۴۰۴). تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر رفاه زیست محیطی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه: رویکرد رگرسیون انتقال ملایم پانلی. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲۵(۲)، ۳۱-۶۶.

منابع انگلیسی

- Held, D., & McGrew, A. (2002). *Globalization/Anti-globalization*. Polity Press.
- Jing Wang, Y., Zhang, H., & Li, X. (2021). Globalization and environmental performance: Evidence from 148 countries. *Journal of Cleaner Production*, 315, 128152.
- Kaikchi, S. (2019). Globalization, environment and sustainability: An environmental Kuznets curve perspective. *International Journal of Sustainable Development*, 22(3-4), 210-228.
- Latif, Z., Mengke, Y., Danish, & Pathan, Z. H. (2023). Economic globalization, institutional quality and environmental integrity in Asian economies. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(14), 40215-40231.
- Olagunju, O. O., Akinlo, T., & Adediran, O. (2019). Welfare effects of globalization in developing countries: The mediating role of human capital. *International Economics and Economic Policy*, 16(4), 699-718.
- Shahbaz, M., Mallick, H., Mahalik, M. K., & Sadorsky, P. (2017). The role of globalization on carbon emissions in developed economies. *Environmental Science and Pollution Research*, 24(15), 12790-12806.
- Tang, C. F., Tan, E. C., & Ozturk, I. (2020). Globalization and sustainable development: Evidence from environmental and human development indicators. *Sustainable Development*, 28(4), 1087-1099.

Economic Globalization, Social Justice and Environmental Well-being Mehroosh Birg Dar Kashkooli

Abstract

Introduction and Objective: This study aims to investigate the impact of economic globalization on social justice and environmental well-being in developed and developing countries, given concerns about the unfair distribution of benefits, widening income gaps between North and South, and environmental degradation.

Research Methodology: The present study is classified as descriptive-analytical research in terms of method. The required data were collected using a documentary (library) method by reviewing written and digital sources.

Findings: The findings indicate that economic globalization has dual consequences. On the one hand, increased foreign investment, economic growth, and technology transfer can lead to improved living standards and public welfare. On the other hand, unfair distribution of benefits, widening income gaps between North and South countries, reduced job security for low-skilled workers, and environmental degradation are among its negative consequences. In the field of environmental well-being, the results of empirical studies show that in developed countries, due to access to clean technologies, efficient institutions, and advanced environmental standards, globalization has a positive effect after crossing a certain threshold. However, in developing countries, due to technical, financial, and regulatory constraints, this effect remains negative. Factors such as the level of economic development, quality of governance, human capital, technological capacity, and environmental regulations play a decisive role in the differences in the consequences of globalization.

Conclusion: Economic globalization is neither inherently good nor bad; Benefiting from globalization requires strengthening institutions, developing clean technologies, improving education, and implementing sustainable development policies.

Keywords: Economic Globalization, Social Justice, Environmental Well-being, Inequality

¹ Sociology Teacher Nomadic Education Organization of Fars Province. kashkouli44@gmail.com